



افعال گروه دوم : بعد از این افعال ، فعل به صورت مصدر ساده می آید (شکل ساده فعل).

Let (اجازه دادن ، گذاشتن)

Let me see.

بگذار ببینم.

جمله ی زیر هر دو گروه را داراست.

Tom **wanted to join** his friends but his mother didn't **let** him **go** out.

تام می خواست به دوستانش بپیوندد ولی مادرش نگذاشت بیرون برود.

Make (باعث شدن، وادار کردن)

Our teacher **made** me **stand up** for 30 minutes.

معلممان مرا ۳۰ دقیقه سرپا نگاه داشت.

Help (کمک کردن)

Don't worry. I'll **help** you **complete** your work.

نگران نباش، کمکت میکنم که کارت را تکمیل کنی.

بعد از افعال مودال (will, would, shall, should, can, could, may, might, ...)

I **can** swim.

من می توانم شنا کنم.

I **will** go to see Peter.

خواهم رفت پیتر را ببینم.

I **might be** a few minutes late.

احتمالا چند دقیقه دیر کنم.



افعال گروه سوم : بعد از این افعال ، فعل به صورت اسم مصدر می آید (ing + فعل). دقت کنید که در ترجمه ی فعل دوم معمولا از اسم در حالت کلی استفاده می شود مانند (تماشا، رانندگی، ادامه دادن و ...).

Risk (خطر کردن)

They may even **risk losing** their homes.

شاید حتی خانه هایشان را به مخاطره بیاندازند.

Miss (از دست دادن، دلتنگ شدن)

We all **miss watching** you dance.

همه ما دلمان برای تماشای تو وقتی میرقصی تنگ شده است.

Enjoy (لذت بردن از)

Everybody **enjoys spending** time in this beautiful garden.

همه از وقت گذراندن در این باغ زیبا لذت می برند.

Imagine (تصور کردن)

Just **imagine flying** like a pigeon.

فقط پرواز کردن مانند یک کبوتر را تصور کن.

Keep/keep on (ادامه دادن)

If anything happens, you just **keep on driving/keep driving**.

اگر هر اتفاقی افتاد، تو فقط به رانندگی ادامه بده.

Spend (گذراندن، صرف کردن)

Some people **spend** a lot of time **watching** TV every day.

برخی از مردم زمان زیادی را هر روز به تماشای تلویزیون می گذرانند.

Practise (تمرین کردن)

Kate **practises speaking** French, 2 hours a day.

کیت دو ساعت در روز تمرین صحبت کردن به زبان فرانسه می کند.

Consider (در نظر داشتن)

He is **considering buying** a used car.

او در نظر دارد که یک ماشین دست دوم بخرد.

Mind (دقت کردن ، اهمیت دادن)

Did you **mind being** away from home for 2 years?

از اینکه ۲ سال از خانه دور بودی ناراحت بودی؟

Delay (به تاخیر انداختن)

Big companies often **delay paying** their bills.

شرکت های بزرگ معمولاً پرداخت قبوض خود را به تاخیر می اندازند (دیر پرداخت می کنند).

Be worth (ارزش داشتن)

Paris is an expensive city but it **is worth visiting**.

پاریس شهر گرانیست ولی ارزش دیدنش را دارد.

Avoid (پرهیز کردن)

These phrases are really difficult, how can I **avoid confusing** them?

این عبارات واقعاً سختند، چطور می توانم از اشتباه کردن آن ها با یکدیگر پرهیز کنم؟

Finish (به اتمام رساندن)

Finish doing your homework then you can go out and play.

انجام تکالیف را به اتمام برسان بعد می توانی بروی بیرون و بازی کنی.

Deny (انکار کردن)

The police **deny attacking** the protesters.

پلیس، حمله به معترضان را انکار می کند.

Prevent ... from (جلوگیری کردن)

They tried to **prevent** me **leaving**.

They tried to **prevent** me **from leaving**.

آنها سعی کردند از رفتن من جلوگیری کنند.

Admit (پذیرفتن ، زیر بار رفتن)

She never **admits being** jealous of her friend.

او هیچ گاه نمی پذیرد که نسبت به دوستش حسادت می کند.

Discuss (بحث کردن ، مطرح کردن)

We **discussed starting** the second part of the plan with the manager.

ما با مدیر عامل، شروع کردن بخش دوم برنامه را مورد بحث قرار دادیم.

Appreciate (قدردانی کردن ، ستایش کردن)

I don't **appreciate being** treated like a second-class citizen.

اینکه با من مثل یک شهروند درجه ی دو رفتار شود مورد پسند من نیست.



افعال گروه چهارم : بعد از این افعال ، فعل می تواند هم به صورت اسم مصدر (ing + فعل) و هم به صورت مصدر کامل (فعل + to) بیاید. تفاوت آن ها در این است که اگر بخواهیم واقعه ای را در حالت کلی بیان کنیم، معمولاً بهتر است فعل دوم به صورت اسم مصدر (ing + فعل) باشد و در مواردی هم فرقی با هم ندارند.

Like (دوست داشتن)

I'm going to invite Maria. I know she really **likes visiting** museums.

خیال دارم ماریا را دعوت کنم . می دانم که او واقعا موزه رفتن را دوست دارد. (حالت کلی)

Maria isn't coming with us. She **likes to join** her friends.

ماریا با ما نمی آید. دوست دارد به دوستانش بپیوندد. (صرفا این دفعه)

Love (دوست داشتن، عاشق بودن)

My aunt is a kind woman and I **love spending** time with her.

عمه ی من زن مهربانیست و من عاشق وقت گذراندن با او هستم. (حالت کلی)

I would **love to know** what peter is going to bring me.

خیلی دوست دارم بدانم پیتتر چه برایم خواهد آورد. (صرفا در این زمان)

Hate (نفرت داشتن)

My father **hates staying** at home alone.

پدرم از تنها ماندن در خانه نفرت دارد.

I **hate to see** you unhappy.

از اینکه تورا غمگین ببینم متنفرم.

Prefer (ترجیح دادن)

I don't usually go swimming, I **prefer playing** tennis.

من معمولا به شنا نمی روم، تنیس بازی کردن را ترجیح می دهم.

I'm not coming with you in this weather. I **prefer to watch** a movie.

من در این هوا با شما نمی آیم، ترجیح می دهم یک فیلم ببینم.

Start (شروع کردن)

Kathy is busy these days, she has **started learning** French.

Kathy is busy these days. She has **started to learn** French.

کتی این روزها مشغول است، شروع به آموختن زبان فرانسه کرده است.

Begin (شروع کردن)

I **began working** as a teacher when I came to Los Angeles.

وقتی به لس آنجلس آمدم به عنوان یک معلم شروع به کار کردم.

I **began to feel** embarrassed when I heard about your rude behaviour.

وقتی درباره ی رفتار بی ادبانه ات شنیدم شروع کردم به خجالت زده شدن.

Remember (به یاد آوردن)

I **remember seeing** you before in a meeting.

به یاد دارم که قبلا شما را در یک جلسه دیده ام.

Remember to drive very slowly because the roads are wet.

بیاد داشته باش که بسیار آهسته رانندگی کنی چون راه ها خیس اند.

Forget (فراموش کردن)

Forget seeing her again, she will never come back.

دیدن دوباره ی او را فراموش کن، او دیگر هرگز باز نخواهد گشت.

My mother always **forgets to take** her keys with her.

مادرم همیشه فراموش می کند کلیدهایش را با خود بردارد.

در مواردی، بسته به معنی فعل مورد نظر، شکل فعل بعدی اختیاری نیست گرچه قبلاً توضیح دادیم که شکل (ing + فعل) معمولاً کلی تر است. به نمونه های زیر توجه توجه ویژه کنید.

Try (تلاش کردن)

I **tried to find** my keys but I couldn't see anything.

تلاش کردم دسته کلیدم را پیدا کنم ولی نمی توانستم هیچ چیز ببینم.

Try (امتحان کردن)

Try **wearing** your new jacket. کت جدیدت را امتحان کن.

Go on (ادامه دادن)

I'm really tired because I **went on working** till 9:00.

واقعاً خسته ام چون دیشب تا ساعت ۹ به کار کردن ادامه دادم.

Go on (سراغ کار بعدی رفتن)

After winning the last fight, he **went on to be** a gold medallist in the Olympics.

بعد از بردن آخرین مسابقه، او رفت که در المپیک مدال طلا بیاورد.

Stop (متوقف کردن)

I **stopped smoking** a long time ago.

خیلی وقت پیش سیگار کشیده را ترک کردم.

Stop (ایستادن)

I **stopped to smoke** a cigarette.

ایستادم تا یک سیگار بکشم.

www.YektaKetab.ir